



ادبیات، رسانه‌ای برای ترویج تفکر انتقادی: مورد پژوهشی از یک کلاس زبان انگلیسی در ایران

جلیل فتحی^۱
احسان سلیمانی داهنه‌سری^۲

چکیده:

در رابطه با تدریس زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی می‌توان گفت که نقش ادبیات به عنوان ابزاری برای تقویت یادگیری زبان یا افزایش دیگر متغیرهای شناختی و عاطفی نقش نسبتاً بحث‌برانگیزی بوده است. با وجود این، در طول سه دهه اخیر برخی از معلمان و نظریه‌پردازان به ادبیات به عنوان ابزار مؤثری برای تدریس زبان دوم یا خارجی جان تازه‌ای بخشیده‌اند. پژوهش حاضر تلاشی است برای روشن‌تر کردن نقش ادبیات به عنوان رسانه‌ای برای ترویج تفکر منتقدانه بین دانش‌آموزان زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی. در این راستا نمونه‌ای از ۳۹ دانش‌آموز زبان انگلیسی با سطح زبانی متوسط که دانش‌آموزان دو کلاس دست نخورده بودند انتخاب و به طور تصادفی به دو گروه کنترل و آزمایشی تقسیم شدند. از دانش‌آموزان گروه آزمایشی (۱۸ نفر) خواسته شد تا داستان‌های کوتاه خلاصه‌نشده و معتبر چهره‌های ادبی را بخوانند. حال آن‌که که گروه کنترل متون خلاصه و ساده‌شده را خواندند. یک مقیاس معتبر تفکر منتقدانه به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون قبل و بعد از دوره آموزش به آزمودنی‌ها داده شد. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس یک‌طرفه نشان داد که گروه آزمایشی در آزمون تفکر انتقادی از گروه کنترل به طور معناداری برتر است. این نتیجه نشان می‌دهد که استفاده از متون ادبی در تقویت سطح تفکر منتقدانه زبان‌آموزان ایرانی مفید است. همچنین، نتایج این پژوهش پیامدهای آموزشی برای نظریه‌پردازان و معلمان دارد.

واژگان کلیدی: ادبیات، تفکر منتقدانه، فراگیری انگلیسی به عنوان یک زبان بیگانه، تدریس زبان

^۱ استادیار بخش زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکترای آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه تهران